

تأثیرات حکمت اسلامی در ضوابط فقه شهرسازی و معماری (فقه العماره)

محسن فهیم^۱

عاطفه حسینی فرد^۲

چکیده

تغییرات در حیطه معماری و شهرسازی، در غالب موارد متفاوت و بعضاً متضاد با ارزش های اسلامی است. اسلام دین کاملی می باشد و مسلمانان را از قبول رفتارها و هنجارهای غیر اسلامی بر حذر می دارد چرا که می خواهد مسلمانان در ارزش ها و اصول خود ممتاز باشند. از سویی اسلام، قبول هر نوع مفهوم ایدئولوژیک یا رفتار غیر اسلامی را که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم بر عقاید اسلامی اثر می گذارد، ممنوع نموده است. در همین راستا مسلمانان در اصول و روش های ساخت و ساز خود باید به این موضوع توجه نمایند چرا که مساله با اهمیت، انتقال فرهنگ اسلامی به ساختارهای کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می باشد تا از این راه، جهت گیری تمام فعالیت های جامعه، جهت گیری الهی و دینی باشد. به واقع با توجه به این که هیچ فرهنگی نتوانسته مستقل از یک مذهب ایجاد شود و گسترش یابد، آن چه که امروزه از آن با عنوان معماری اسلامی نام برده می شود، حاصل تضارب و تعامل قومیت ها، ملت ها و فرهنگ های گوناگونی است که هر کدام به تناسب مکان و زمان خود صاحب حرفی برای گفتن بوده اند که البته در صدر این فرهنگ ها، اسلام قرار دارد. بر همین اساس این مقاله با عنوان تأثیرات حکمت اسلامی در ضوابط فقه شهرسازی و معماری (فقه العماره) نگارش شده است. این پژوهش از نظر نوع و هدف کاربردی و از نظر ماهیت و روش توصیفی است.

کلید واژه ها: حکمت، حکمت اسلامی، ضابطه های فقه، شهرسازی، فقه العماره

^۱ استادیار گروه الهیات، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

^۲ استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

حکمت اسلامی دارای ظرفیت های قابل توجهی برای کاربرست در دانش شهرسازی و معماری و زیر شاخه های آن است که تا به حال بخش قابل توجهی از این ظرفیت در راستای پاسخ گویی به مسائل دانش معماری، در مجامع علمی و دانشگاهی و هم چنین حوزه های علمیه به صورت شایسته مورد تدقیق واقع نشده است. در اکثر موارد مسلمانان سعی دارند که در کار و حرفه خود درستی و نادرستی را سنجیده و به انجام یا دوری از آن اقدام نمایند. اما آن چه که روشن است این گونه است که هر موضوعی از زندگی فردی و اجتماعی انسان از جمله مسائل معماری و شهرسازی در هر دوره خاص، مسائل و مشکلات مربوط به خود را دارد. هنر و معماری اسلامی مانند دیگر حوزه های علمی مستقل مکتبی است خاص که از منظر فلسفی و محتوایی، و هم چنین ساختار دارای اصول و مفاهیم خاص و بعضاً متفاوتی از دیگر مکاتب مطرح معماری در جهان هستی است که منابع و سرچشمه های اصلی آن را باید در علم و حکمتی جستجو نمود که در میان قرآن و سنت وجود دارد. (علی آبادی و هاشمی طغرالجردی، ۱۳۸۹: ۶۸)

پرواضح است که هر معمار و هنرمندی زمانی که تصمیم به انجام اثری می گیرد علل مختلفی وی را در جهت حرکت به سوی ایده های مطلوب سوق می دهد که باز هم یکی از با اهمیت ترین این عوامل جهان بینی و ایدئولوژی یعنی نحوه نگرش وی به جهان اطراف خودش است بنابراین نظریه پردازان در حوزه حکمت اسلامی بر این عقیده می باشند که معماری اسلامی فارغ از استثنائات آن در تمام ایام برگرفته از نگاه ایدئوژیک هنرمند و معمار مسلمان دارای تعهد به اصول اساسی اسلام می باشد که هر چه که خلق می نماید مبتنی بر نگاه توحیدی باشد که اساسی ترین اصل اسلام است، لذا هر چه که در یک بنای معماری به ویژه در مساجد مشاهده می شود چیزی نیست به غیر از کشف و شهود و یا خواست و نیت معمار برای بیان نمودن حقیقت توحید و لاغیر. بر همین مبنا برنامه ریزی و طراحی محیط شهری مسلمانان باید به افرادی داده شود که اصول اخلاقی کاملی، همانند دانش عمیقی از منابع و شاخه های دین را دارا هستند که صلاحیت و کفایت آن ها را ضمانت نماید. این توانایی و اعتبار در قرآن بسیار مورد توجه واقع شده است. از سویی اگر برنامه ریزان و طراحان از اصول دین اطلاع نداشته باشند، باید به نظر و عقاید علمای دین تکیه نمایند. این موضوع همیشه در محیط سنتی اسلامی که حاکمان و سایر افراد عام همیشه حکم علماء را در خصوص مسائل شهری و ساخت و ساز مورد توجه قرار می دادند، مشهود است. (بمانیان و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱۹)

لحاظ احکام اسلامی در برنامه ریزی، طراحی و ساخت و سازهای شهری از نخستین قدم ها در تبدیل شهر به شهرهای اسلامی و مناسب حال مسلمانان می باشد. بر همین اساس مقاله حاضر به دنبال حل این موضوع است تا با شناخت اصول و شاخصه های مطلوب معماری و شهرسازی اسلامی با بررسی منابع، قواعد، معانی آن و همچنین با استناد به نظر و عقاید فقهای دین، در راستای برقراری ساختار و زمینه ی مناسب برای محقق نمودن اهداف اسلام و احکام شریعت برآید، به طوری که برای شهروندان مسلمان در ساختار یک شهر، امکان عمل آسان به واجبات و مستحبات و پرهیز نمودن از حرام ها و مکروهات، شرعی فراهم می شود تا از اثرات مادی و معنوی آن بهره مند شود.

۱- ساختار و ساحات خلق آثار معماری و شهرسازی از منظر حکمت اسلامی (فقه شهرسازی و معماری (فقه العماره)

فقه شهرسازی و معماری به معنای فقه بناها، مزارع، بوستان، کشاورزی و فقه معماری است که شهرسازی، کیفیت منزل و چارچوب هایی که فقه در رعایت بنا و ساختمان سازی لازم می داند را شامل می شود. (صادق زاده، ۱۳۹۴: ۱۲) در خصوص این نوع فقه باید گفت که یکی از با اهمیت ترین ارکان احکام فقهی، دقت و حجیت آن ها می باشد و فقهای معظم نباید تنها به مبانی نظری و بنیادهای قواعد و احکام بسنده نمایند و در باب چگونگی به کارگیری و میزان کارآمدی صحبتی نفرمایند چرا که این امکان وجود دارد که قاعده های مطرح شده در عمل چندان کارآمد نباشند و این گونه تصور شود که فقهای گرامی تنها به کلی گویی پرداخته اند و نتیجه بحث روشن نمی گردد و چه بسا اختلاف نظرانی ایجاد شود. سکونت گاه های مسلمین، از حیث تعداد، فراوان ترین نوع معماری است که در تمامی پهنه جغرافیای فرهنگی جهان اسلام دیده می شود. این مساکن بر حسب اقلیم ها و شرایط گوناگون به انواع متنوعی، مانند سکونت گاه های متراکم و یا پراکنده، حیاط دار و یا منطبق و... تقسیم می شوند. اما آن چه دارای اهمیت است، شاخص های بهره گیری معماران مسلمان از مبانی حکمت اسلامی در ساخت این بناهاست. در خصوص ساختار و ساحات خلق آثار معماری و شهرسازی و به طور کلی هر نوع فرآیند انسانی مبتنی بر جایگاه طولی هر یک، می توان به پنج مرحله کلی و اجمالی اشاره نمود. به واقع در فرآیند خلق آثار معماری و شهرسازی پنج مرحله اصلی در ساختار آن دخالت دارند. این مراحل به قرار ذیل است:

- معرفت های انسان از عالم و آدم

- نیت و انگیزه انسان

- شیوه عملی انسان

- اثر انسان

- تأثیرات اثر انسان بر خودش و مخاطبین

این مراحل و نوع ارتباط هر یک از آنها در تمام فرآیندهای انسانی خودآگاه یا فاقد آگاهی همواره قابل طرح هستند. آن چه دستاوردهای انسانی را از هم متمایز می نماید، محتوی این فرآیندها می باشد و آن چه معیار ارزیابی محتوای آنها است، مکتبی می تواند باشد که با حکمت نظری خود، عالم و آدم و روابط آنها را تبیین نموده و با حکمت عملی خود ارزش ها و ضدارزش ها را تشریح و معیارهای زیبایی و زشتی و فلسفه هنر را ارائه نموده باشد. از منظر اسلامی مکاتب بشری نمی توانند انسان و غایت وی را، جامع و مانع و خطاناپذیر تشریح نمایند و مکتب های الهی غیر از اسلام نیز، دچار تحریف و نقض گردیده اند. از منظر تشیع، تنها مکتب اسلام، مبتنی بر کلام الهی و سنت معصومین؛ خطاناپذیر و جامع و مانع می باشد و می تواند مکتب مبنا برای ارزیابی و نقد دقیق و عمیق رویه های انسانی باشد. (نقره کار، ۱۳۹۵: ۱۸۲) اسلام به صورت مستقیم در مورد موضوعاتی نظیر (معبودشناسی، هست شناسی، انسان شناسی، معرفت شناسی، جامعه شناسی، فلسفه تاریخ، رابطه انسان با محیط طبیعی و مصنوعی و...) در حکمت نظری خود به صورت کامل مطالبی معصومانه، جامع و مانع ارائه نموده است. این موضوع در دو منبع کتاب الهی و سنت معصومین (س) ما را قادر می سازد ضمن ارتقای معرفت های خود، معرفت های دیگران را که منشاء و سرچشمه ایده ها، رفتار و آثار آن ها است، مورد ارزیابی و نقد واقع شود و با عبرت از آن ها، ایده ها، رفتار و آثار ارتقاء یابند.

۲- شاخص های قدسی مسکن و ضابطه های حکمت اسلامی در شهرسازی و معماری

نقشه شهرهای اسلامی حاکی از تلاش جهت ایجاد ، رعایت و نگهداشت این نظم است. رویکرد اصلی برنامه ریزی اسلامی ، در راستای ارتقاء کیفیت زندگی است. اما بر عکس الگوهای غربی ، در اسلام وضعیت رسیدن به این موضوع نیز دارای اهمیت است. ارتقای کیفیت زندگی در این رویه میبایست در خدمت اهداف نهایی یعنی عبادت الهی باشد و اصولاً آفرینش جن و انس نیز تنها جهت یگانه پرستی انجام گرفت.

مولفه عبادت به عنوان هدف غایی حیات ، تاثیر عمیقی بر شهر اولیه اسلامی ، مدینه نهاد. رسول اسلام به محض ورود به شهر مسجدی را در مرکز شهر قرار داد و سپس شروع به تقسیم کوی و برزن ها ، اموال و خانه ها در بین مهاجرین و انصار کرد. وضعیت برنامه ریزی و مکان یابی عنصرهای اسلامی که در زمان آن حضرت انجام گرفت بعدها الگویی برای ساخت دو شهر کوفه و فسطاط شد.

اقدامات حضرت رسول از اصل های مشترک برخوردار بودند که عبارت بودند از :

۱ : افزایش کاربرد شریعت

۲ : انعکاس و برجسته نمودن مفهوم امت

۳ : ممانعت از تضییع حقوق اجتماعی ، رسول اکرم (ص) موظف بود تا در کار دین و پیشرفت اسلام به انسان ها کمک کند. یکی از ابعاد آن همانا اختصاص دادن محیط به مسلمین جهت افزایش کیفیت محیط های عبادی بود. به این قرار شهر در قدم اول باید قابلیت هایی را داشته باشد تا هر مسلمان بتواند در آن به حیات عبادی خود متمرکز گردد. این جا شریعت مانند دستورالعمل هایی در باب عمل به نیکی و پرهیز و مبارزه با شر و یا اعمال ناشایست نقش خود را ایفا کند. در آیه ۱۱۰ سوره عمران در این باره فرموده شده است : " شما نیکوترین امتی هستید که برای آن قیام کردند تا خلق خود را سعادت بخشند ، جهت اصلاح بشر مردم را به نیکوکاری وادار کنند و از بدکاری باز دارند. " حضور قوی قوانین شریعت اسلامی در این موضوع و توجه حکمت اسلامی را می توان در دو شهر مدینه و تونس مشاهده نمود. (Saod-2002-7) در ساختن خانه و به عبارتی شهرسازی و معماری ، باید ضابطه هایی در حیطه مدیریت شهری و اختیارات شهرداری مورد توجه قرار بگیرد از جمله توجه به عدم ارتفاع زیاد در ساخت خانه ، چرا که رسول اسلام (ص) فرموده اند :

" حق همسایه آن است که بنای خود را از بنای او بالاتر نبرند و جریان هوا را بر وی مسدود نکنند. " (پاینده ، ۱۳۶۲ : ۲۹۱) به واقع ساختن ساختمان های بلند با نظام عمران شهری اسلامی سازگار نیست، آن چه در نظام عمران شهری به موجب حکمت اسلامی مورد تایید است خط افق در ساختمان های شهری است نه خط عمودی.

در منابع روایی نیز تصریح گردیده است هایی با ارتفاع زیاد محل سکونت جن و شیاطین خواهند بود. (علامه مجلسی ، ۱۴۰۴ : ۴۴۵) حتی عنوان شده است که با توجه به شاخص " بلند نبودن دیوارهای داخلی منازل بیشتر از هشت ذراع و مستندات آن ، در حالتی که ارتفاع دیوارهای داخلی بنا ، به علت های فنی و اقتضائات خاصی بیشتر از این مقدار باشد ، در جهت رفع اثرات نامطلوب این عملکرد ، باید آیت الکرسی و دیگر آیات قرآنی در قسمت مرتفع به حالت کتیبه نوشته شود که این عملکرد در سیره اهل بیت پیامبر (ص) نیز به اجرا در آمده است و البته از طرفی ، خالی بودن خانه از آیات قرآنی مورد مذمت واقع گردیده است. (حرعاملی ، ۱۴۱۲ : ۲۱۴) در مجموع بهتر این است که در عملکردهای تزئیناتی خانه نیز از آیه های قرآنی استفاده شود.

از طرفی شایان توجه است شاخص در حوزه معماری و شهرسازی عبارت می باشد از ابزار عینی یا مفهومی (انتزاعی) که برای اندازه گیری و ارزیابی وضع موجود معماری بناها و شهر، محاسبه و مقایسه موقعیت ها و مکان های مختلف شهر و بناهای آن و نیز به عنوان محکی برای پیش بینی آینده شهر و محاسبه بین وضعیت موجود تا وضعیت مطلوب اسلامی مورد استفاده قرار می گیرد و از آنجا که امکان مقایسه را ایجاد می نماید، می تواند شرایط امروز شهرهای کشورهای مسلمان را با تمدن اسلامی در دوران گذشته مقایسه نمود و پیش بینی ها و مدل های متعالی را برای آینده شهر اسلامی فراهم نمود. (قربانی، ۱۳۹۱: ۱۳) شاخص های معماری و شهرسازی را می بایست از مطلوبیت های الهی استخراج نمود، به عبارتی مطلوبیت های الهی از مجموعه آموزه های اسلامی به دست می آید؛ از جمله شاخص های قدسی مسکن و ضابطه هایی که در حیطة حکمت اسلامی و شهرسازی و معماری باید مورد توجه مراجع مرتبط واقع شود می توان به موارد ذیل اشاره نمود :

-وحدت و مرکزیت

مرکزیت و وحدت از شاخص های برگزیده شدن مکان برتر است. قبله مسلمانان خود معیاری در راستای این عبارت می باشد که هم دارای مرکزیتی معنوی و هویتی نسبت به عالم اسلامی است و هم وحدت بخش هویت های سایر مکان ها است. این نقش را در شهرهای اسلامی، مساجد بر عهده دارند. هویت مکانی مسجد و تمامی اماکن نیز نه به مسجد بلکه به محوریت قبله یعنی هویت کامل کعبه تعلق دارد. این جهت گیری مکانی گویای این مساله است که خدا در هر زمان و مکان با شماست. مسجد همچون کعبه، خانه محترم و فرخنده خدا و خانه هدایت و قیام انسان هاست. پاره ای از بهشت در زمین و خانه امن و محترم است لذا حریمش از دیگر فضاهای شهری جدا می شود و از آن چه پدید است دور نگه داشته می شود. (قربانی، ۱۳۹۱: ۴۳) در یک شهر اسلامی باید به مسجد به عنوان عامل تعیین کننده و مرکزی فرهنگی و مذهبی در بخش مسکونی توجه نمود. سپس دیگر خدمات رفاهی، آموزشی، بهداشتی و تجاری می توانند در کنار هسته اصلی محله ها برای رفاه ساکنان محله برنامه ریزی و طراحی شوند. به طور کلی بافت فیزیکی و کالبدی محله های سنتی نسبت به واحدهای همسایگی جدید نقش پررنگ تری در رابطه های متقابل اجتماعی داشته اند. (پورجعفر و ادب خواه، ۱۳۸۳: ۴۹۹)

-عدالت و مساوات

عدالت و مساوات از شاخص های هویت دهنده به مسکن است که خود را در قالب نقش مکان نسبت به پیرامون باز یافته و به نقش مسکن در کنار انسان و موضع گیری مکان در روابط اجتماعی انسان تمرکز یافته است. (ارجح، ۱۳۸۰: ۱۷) عدالت ارزشی است که انعکاس دهنده حقوق و فرصت های مساوی برای تمامی اعضای جامعه است. وجود عدالت نیز یکی از موارد با اهمیت در اتخاذ رویکرد شهروندمداری است که مدیریت شهری در اجرای ضوابط و سیاست های حاکم باید به آن توجه ویژه مبذول دارد. شایان ذکر است با توجه به ناکارآمدی رویکردهای سنتی و بروز مشکلات بی شماری مانند توسعه نابرابر و ایجاد مناطق دو قطبی در شهرها، طی دهه های گذشته موضوع جدیدی در نظام شهرها با عنوان حکمروایی خوب شهری عنوان شده است که بر چگونگی دست یافتن به مدیریتی کارآ و بهینه با زمینه توسعه ای مردم سالار و عادلانه تاکید دارد. (تقوایی و تاجدار، ۱۳۸۸: ۴۶)

-سلسله مراتب

سلسله مراتب ورود در مسکن اسلامی با تعبیر سلسله مراتب حضور و محرمیت شناخته می گردد. مکان دارای معنایی می باشد که رسیدن به کلیت آن تنها با دیدن مرحله وار و تفکر در آن به دست می آید. لذا هویت مسکن

با کلیت و نه جزئیات منفرد بنا به دست آمده و ادراک آن تنها در سایه درک بینابینی جزئیات و کلیات بنا امکان پذیر است. در واقع، ادراک مسکن دارای مدارج فهمی است که با داشتن شخصیت های فردی، هویت اصلی خود را از درجه ای بالاتر یعنی کل بنا به دست آورده و ریز فضاها تنها در سنجش با مجموعه های بالاتر مانند شهر، عالم اسلامی و در نهایت عوالم الهی معنا می یابد. (محمدیان، ۱۳۸۶: ۲۹) در سوره اعراف، آیه ۱۶۱ آداب خاصی برای ورود به مکان، که در این آیه بیت المقدس است، قرار داده شده است. این سلسله مراتب نه تنها در سرزمین به معنای جغرافیای وسیع رعایت می شود که در بناها و مجموعه های شهری نیز دیده می شود.

-درونگرا، ابعاد هندسی و جهت گرایی جهت یابی در اسلام بر اساس جهت قبله است. (Dickie-1985-134) شاید بتوان درونگرایی را بارزترین مشخصه رعایت سلسله مراتب تلقی نمود و یا آن را ثمره ی حریمیت محسوب نمود و به زعم بسیاری جزء مهم ترین شاخصه های همه شهرهای اسلامی است. (سیفیان، ۱۳۷۸: ۶۰) معماری و ساخت ابنیه نیز با این هدف که مکان خاصی را به مکانی فراسرزمینی ارتقاء دهد در تمامی ساحت های مسکن دخالت کرده و با هندسه، تزئینات، استعاره و نماد پردازی در این نور، سایه، آب و خشت با اشاره به پرتوهای الهی و تجلی های قدسی، سعی دارد تا جلوه گاه علمی قدسی را در پیش چشم ناظرین به نمایش گذارد. (پاشایی کمالی، ۱۳۸۰: ۱۰۷) بنابراین مسکن با این نوع ویژگی ها خود را از عالم صغیره به عالم کبیره و ماوراء الطبیعه پیوند می دهد. مساله ای که باید مورد توجه قرار گیرد این است که این شاخص ها حکم فقهی و صرفاً آداب اجتماعی یا توصیه ها و مطالب فردی نمی باشد که هیچ نوع ضمانت اجرایی ندارد، بلکه جنبه ضابطه ای و مقرراتی برای ساخت شهر اسلامی با ابعاد حاکمیتی و نظارتی دارد و ضرورت های دینی و عقلایی برای رسیدن به نقطه مطلوب تعالی و پیشرفت اسلامی را با احکام و معارف انسان ساز اسلام در شهرسازی و معماری نمود و عینیت می بخشد.

۳- جایگاه حکمت اسلامی در اجرای ضوابط فقه شهرسازی و معماری (فقه العماره)

به واقع در راستای واکاوی ضابطه های فقه شهرسازی و معماری و اجرای آن شایان ذکر است خداوند متعال تمام مراحل سکنی گزیدن، از ساخت مسکن، انتخاب نمودن زمین برای بنا کردن ساختمان و شهر و هم چنین چگونگی دسترسی انسان به قوانین ساختمان سازی را هدیه خداوند می نامد و در سوره اعراف و آیه ۷۴ می فرماید این آموزه ها تا زمانی که در راستای حق و حقیقت باشد سبب رشد و سعادت انسانی و به دنبال آن رشد اجتماعی می گردد. در آیه مذکور خداوند فرموده است:

"وَاذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَبَوَّأَكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سَهُولِهَا قُصُورًا وَتَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ"

به واقع در این آیه کلمه "عشو" به معنای خارج شدن از حد اعتدال و منظور خروج انسان از قوانین و سنن الهی است که موجب فساد خواهد شد. این قوانین در طبیعت و نهاد بشری با عنوان نعمات الهی واقع شده است و باید در مساله سکونت چه در برنامه ریزی کلی شهری و چه در قرار گیری بنا و نقشه آن مورد استفاده واقع شود. این دستورات در حالت اعمال سبب مغفرت اجتماع می گردد. در آیه ۳۷ سوره ابراهیم نیز عنوان شده است که انتخاب مسکن توسط انبیاء بر اساس نماز و عبادت است. هم چنین در مجموع امر در این حیطة باید اصولی را در ساخت و ساز و معماری رعایت نمایند که از جمله این موارد می توان به اصل ضرورت و تقویت روابط همسایگی اشاره نمود که به موجب آن اصل مهندسی مدیریت منابع طبیعی، اصل عدالت و برابری اهالی شهر در برخورداری از امکانات طبیعی مطابق با اصول آمایش سرزمین و توجه به مسائل اقلیمی در طراحی شهری، برای این که همه اهالی محله

به طور مساوی از باد منطقه بهره برداری نمایند ، باید منازل به نحوی تعریف گردند که مانع از جریان باد در لابه لای خانه ها نشود و باد در تمامی منازل جریان یابد. لذا بلند نساختن خانه ها نسبت به یکدیگر در طراحی محلات دخیل است و باید به نحوی تنظیم شود که جریان باد به درستی مدیریت شود. از دیگر اصول ، اصل مطلوبیت وسعت خانه است که در این خصوص در روایتی از امام صادق (ع) آمده است که فراخ بودن منزل راحتی را برای مومن به دنبال دارد. (مجلسی ، ۱۴۰۴ : ۱۵۳)

این روایت و سایر موارد در این خصوص نشان می دهد که ساختن خانه وسیع شاخص بسیاری از امور مطلوب در اسلام بوده و زمینه تحقق برخی از برنامه های متعالی اسلام در جامعه است. در این باره و رعایت این اصل و ضوابط آن مراجع ذی ربط نمی تواند چندان که باید اقداماتی را انجام دهد که دلیل آن کثرت جمعیت و مسائل مالی در زمان حاضر است به نحوی که در گوشه و کنار ایران اسلامی شاهد ساخته شدن خانه هایی با متراژهای بسیار پایین هستیم. در احادیث نیز همواره به وسعت خانه به شرط استفاده خدمه و مهمانان تاکید شده است. در این رابطه روایت است که از امام حسن (ع) پرسیدند: والایی زندگی در دنیا چیست؟ ایشان پاسخ دادند: در گسترده گی خانه و انبوه بودن دوستداران (کلینی ، ۱۳۹۰ : ۴۲۹) علاوه بر این در طراحی فضاهای داخلی خانه باید اصولی مدنظر قرار بگیرد و مدیریت شهری در هنگام اجازه ساخت باید به این موارد توجه نماید. نشیمن ، پذیرایی و آشپزخانه نباید به گونه ای طراحی و ساخته شوند که در معرض دید بوده و به یکدیگر اشراف داشته باشند. در راستای پیشگیری از این مساله ، راهکارهایی وجود دارد که با رعایت نمودن اصول معماری این امکان وجود دارد که از نمونه های کارکردی مانند فیلتر ، خمش و ایجاد پیمون استفاده کرد. در این خصوص باید به نوع کاربردی فضاهای عملکردی و محیط های گوناگون آن ها توجه نمود. چرا که پوشیدگی تمامی محیط ها مساوی نیست و هر یک محدودیت و شرایط خاص خود را دارند. یکی از عملکردهای مناسب در راستای تحقق بخشیدن به این شاخص ایجاد نمودن درهای روبرو در اتاق های داخل منزل و ایجاد نمودن دالان و دهلیز و... است. در طراحی ابنیه معماری باید به اصل نهی باز شو که در زمره فقه العماره است ، توجه نمود. باز شو در معماری به هر نوع عملکردی که دو فضا را به هم ارتباط می دهد گفته می شود و شامل در ، پنجره ، نورگیر و امثال این ها می شود. از آن جهت که نماز خواندن به سمت در باز مکروه است ؛ در معماری مطلوب اسلامی نیز هر چیزی که موجب حواس پرتی نمازگزار گردد نباید در سمت قبله تعبیه شود یعنی در ، پنجره و چیزهایی مثل تزئینات و تصویرهایی که نمازگزار را از تمرکز و توجه در نماز و حقایق آن منصرف می کند. (علامه حلی ، ۱۴۱۹ : ۳۴۸)

ضمناً باید در ساخت خانه اصل نهی از اشراف نیز مدنظر قرار بگیرد، بر همین اساس باید گفت مصون بودن فضاهای داخلی مسکن از اشراف و دیدبیبگانگان موردی است که آسایش خانواده سخت به آن وابسته می باشد. چنان چه خانه ای مصون از دید دیگران نباشد، دیگر محل آسایش و امنیت نمی باشد. رسول خدا (ص) در این زمینه می فرماید : خداوند عزو جل چیزهایی را خوش ندارد که عبارتند از : بیهودگی در نماز .. و چشم انداختن به داخل خانه ها بدون اجازه (طبرسی ، ۱۳۷۰ : ۴۷۲) علاوه بر این بر اساس روایات اسلامی وارد شدن و نشستن در خانه تاریک مورد نهی واقع شده است. هم چنین در ساختن اتاق ها باید توجه نمود که صداهای کارهای داخل به خارج اتاق و سایر جاها نفوذ ننماید تا مفاسد اخلاقی و رفتاری ایجاد نشود. بر طبق ضوابط اسلامی ، باید حریم آشپزخانه مورد توجه قرار بگیرد هر چند که در این موضوع و توجه به آن نیز مدیریت شهری نتوانسته بر اساس ضوابط اسلامی عمل نماید و در اکثریت خانه ها ، آشپزخانه ای که در معرض دید است یعنی آشپزخانه های اپن جایگزین آن شده

است. از منظر فقهی حتی بهتر است محل عبادت و نیایش در خانه مشخص و طراحی شده باشد. ضمناً طراحی برتر در فقه اسلامی معماری با توجه به تصریح روایات اسلامی این است که مستراح باید در مخفی ترین جای بنا واقع شود. لذا بهتر این است که در صورت امکان در فضای درونی منزل قرار نگیرد که این موضوع در حال حاضر و با توجه به دلایلی که عنوان شد، امکان پذیر نمی باشد. از دیگر ضابطه هایی که مدیریت شهری باید در شهرسازی و معماری اسلامی مد نظر قرار دهد و در هنگام صدور اجازه ساخت به آن ها توجه نماید مواردی مانند وجود اصل تعبیه محلی (سکو) برای نشستن جهت پوشیدن کفش در ورودی منازل است چرا که پوشیدن کفش در حالت ایستاده و سرپایی از نظر شرعی مکروه بوده و در اسلام دارای مطلوبیت نیست. (مجلسی، ۱۴۰۶: ۳۳۸)

البته در حال حاضر و افزایش آپارتمان سازی نسبت به خانه های ویلایی وجود پله این مشکل را رفع نموده است. اصل استحکام نیز در ساختن بنا باید مد نظر مدیریت شهری باشد که منظور به کاربردن مصالح مقاوم و متناسب در ساختمان است تا در مقابل سنگینی بنا و حوادث طبیعی مانند زلزله دوام داشته باشد. پیامد عدم توجه به این مساله که در دین اسلام هم به آن اشارات زیادی شده است زلزله اخیر و خرابی های بی اندازه ساختمان های مسکن مهر است که گویای عدم توجه مدیریت شهری و مراجع ذی ربط به این موضوع است. در شهرسازی ضابطه هایی در دین اسلام وجود دارد که باید مورد توجه واقع شود. اصل مسجد محوری در زمره این موارد محسوب می شود. با استناد به اهمیت شاخص "مسجد محوری" در شهرسازی اسلامی و بر اساس نقل تاریخی از جریان یافتن سیره نبوی در ساختن منازل، پیرامون مسجد که پیامبر (ص) بعد از این که مسجد النبی و منزل خود را ساختند، منازل اصحاب را با نقشه کشی خاص برای پلان خانه، پیرامون آن ساختند به نحوی که منازل همه آن ها به مسجد راه داشت و در مباحث قبل به آن پرداخته شد. شایان ذکر است ساختن منازل هر محله در تناسب با محوریت و مرکزیت مسجد ضروری به نظر می رسد. این شاخص دارای ابعاد گوناگونی است که از جمله می توان به طراحی کوچه ها به نحوی که منتهی به مسجد باشد، اشاره نمود.

در بررسی های فقهی با در نظر گرفتن کاربری های مربوط به خانه و اقتضائات مربوط به تعمیر و نگهداری آن، معیارهایی مانند لزوم تخصیص مکانی برای ریختن خاک و آشغال، ریختن برف و خاکستر مسیری جهت مدیریت آب های سطحی و دفع شده و راه ورود و خروج عنوان شده است که اندازه آن ها باید به وسیله مهندسان محاسبه گردد. نمونه های کارکردی نیز برای این مساله وجود دارد که می توان آنان را برای تحقیق در جزئیات محاسباتی حریم خانه مورد بررسی قرار داد. به هر حال محاسبه و ایجاد حریم برای خانه ضرورتی غیر قابل اجتناب است و نباید مورد غفلت قرار گیرد. به واقع یکی از موارد مهم در رعایت فقه العماره، اصل سازماندهی ناودان ها و آبریزها است. در زمان ظهور امام عصر (ع) برخی از اصلاحات شهری و معمارانه انجام خواهد گرفت که اصلاح وضعیت ناودان های منازل یکی از آن ها می باشد. (مغربی، ۱۳۸۵: ۴۶۵) در روایت های مرتبط نیز، عمده ترین حکمت در این مساله جلوگیری از آزار و اذیت مسلمانان عنوان شده است. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۵۴) در این روایات، کندن و مسدود نمودن ناودان های جاری به سوی معابر عمومی از جمله موارد مهم در جلوگیری از مردم آزاری بیان شده است که در حیطه مسئولیت پذیری در قبال شهروندان قرار می گیرد. حتی حضرت علی (ع) در زمان حکومت خود به این موضوع اهتمام ورزیده و به انجام رسانده است. لذا ساختن خانه به نحوی که ناودان آن به کوچه و خیابان و معبر عمومی سرازیر نشود یکی از راههای محقق شدن عدالت اجتماعی و رعایت حقوق مردم خواهد بود.

موضوع حائز اهمیت در این جا این است که سیاق روایات مستند برای این شاخص عموم بوده و اختصاصی به خانه و کوچه ندارد، لذا ناودان های تمام عملکردهای بنایی شهر و در تمام معابر شهری باید ساماندهی گردد. (فدایی، ۱۳۹۲: ۴۳) شایان ذکر است با استناد به مستندات شاخص "ایجاد فضای سبز پیرامون منازل" طراحی و ایجاد فضای سبز مناسب در درون خانه ضرورت می یابد. این موضوع با گل کاری و درختکاری (ترجیحا کاشتن درخت میوه) در حیاط و درون خانه تحقق می یابد. به علاوه در راستای ایجاد اجزای فضایی و عملکرد مناسب برای کاشتن گل و گیاه در درون منازل، ابعاد شاخص تحلیلی وجود دارد که مهندس و معمار خلاق اسلامی باید آن را مورد استفاده قرار بدهد. سیره عملی پیشوایان بزرگوار دین مانند امام صادق (ع) نیز بر اجرای این موضوع اشاره داشته است. نمونه روشن و البته آرمانی این رابطه که وجود و تلازم باغ و منزل را به تصویر می کشد. جایگاه انسان های والا مقام در بهشت است. بر اساس مستندات، طراحی و ساختن منازل در باغ یا ایجاد باغ و باغچه در درون محوطه (میان سرای) منزل مطلوبیت با اهمیتی در معماری اسلامی محسوب می شود. در نهایت واقعیت این است که معماری، بسیاری از رفتارها را جهت دهی می کند. مسکن اسلامی با بهره گیری از تعالیم اسلامی، ساختاری را ارائه می دهد که موجب تحکیم روابط اجتماعی و آرامش روانی افراد در رابطه با یکدیگر می گردد.

نتیجه گیری

با توجه به مقاله می توان این گونه نتیجه گرفت که حکمت اسلامی از طریق منابع خود اصل های ویژه ای را در حوزه های گوناگون مسکن و شهرسازی از نوع جهت گیری و حدود شهر و محله، نحوه استقرار کاربری ها تا رنگ و ارتفاع دیوارهای داخلی و.. به جهت حمایت از احکام و ارزش های اسلامی، ارائه می نماید. لذا آن چه در بحث مسکن سازی بر اساس حکمت اسلامی مطرح می شود قابلیت پیاده سازی دارد و سیاست ساخت مسکن در کشور مسلمان، باید به این سمت سوق داده شود. بر همین اساس، با استناد به گستردگی منابع و مباحث مطرح در این محدوده و هم چنین ورد پیدا نکردن حوزه های علمیه و مجامع دانشگاهی، به این موضوع لزوم تشکیل سازمانی محقق و مرکب از مهندسان و معماران و عالمان دینی در محدوده ی مسائل و مشکلات جدید معماری و شهرسازی اسلامی، ضروری به نظر می آید. با توجه به این موارد برگزاری دوره های ویژه ی دروس حوزوی برای معماران و تقویت آکادمیک رشته معماری اسلامی و برگزاری مسابقات در محدوده ی معماری اسلامی از منظر فقه شیعه پیشنهاد می شود. علاوه بر این پیشنهاد می شود در راستای عملیاتی نمودن قواعد فقه اسلامی در حوزه شهرسازی و به منظور تهیه و تدوین مصوباتی که در انطباق با قواعد فقهی، حقوقی حکمت اسلامی باشند، شورای فقهی حقوقی با حضور کارشناسان و متخصصان حقوق اسلامی و فقه معماری و شهرسازی در شورای عالی شهرسازی تشکیل شود. هم چنین در شهرداری ها شورایی متشکل از متخصصین فقه شهرسازی اسلامی و متخصصان و مهندسان شهرسازی تشکیل گردد تا ضمن تبیین درست و روشن از موضوعات و مسائل شهرسازی، هنجارها، اصل ها و قاعده های فقه اسلامی در حوزه شهرسازی مورد توجه قرار گیرد.

منابع

-کتب

۱. بمانیان ، محمدرضا و همکاران (۱۳۹۴) معماری و شهرسازی سنتی در کشورهای اسلامی، چاپ اول، تهران، انتشارات طحان
۲. پاشایی کمالی ، فرشته (۱۳۸۰) اسلام و معماری مساجد ،مجموعه مقالات دومین همایش بین المللی معماری مساجد ، افق آینده (جلد اول) تهران ، دانشگاه هنر
۳. پاینده ، ابوالقاسم (۱۳۶۲) نهج الفصاحه ، چاپ اول ، تهران ، انتشارات جاویدان
۴. طبرسی، حسن (۱۳۷۰) مکارم الاخلاق، مترجم: ابراهیم میرباقری، چاپ اول، قم، انتشارات فراهانی
۵. علامه حلی (۱۴۱۹) نهاییه الاحکام فی معرفه الاحکام ، چاپ اول ، قم ، موسسه آل البيت عليهم السلام
۶. علامه مجلسی ، محمد باقر (۱۴۰۴) بحارالانوار ،جلد سوم ، بیروت ، موسسه الوفاء
۷. قربانی، رحیم (۱۳۹۱) شاخص های معماری و شهرسازی اسلامی، چاپ اول، تهران، انتشارات پژوهشگاه بین المللی المصطفی
۸. کلینی، محمدعلی (۱۳۹۰) اصول کافی، جلد ششم، ترجمه : احمدبانیپور، قم، انتشارات استوار
۹. مجلسی ، محمدباقر (۱۴۰۶) ملاذ الاخیار فی فهم تهذیب الاخبار ، تصحیح : سید مهدی رجائی ، قم ، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی
۱۰. مغربی ، نعمان بن محمد (۱۳۸۵) دعائم الاسلام ، تصحیح : آصف فیضی ، چاپ دوم ، قم ، انتشارات موسسه آل البيت عليهم السلام

-مقالات و تقریرات آموزشی

۱. پورجعفر، محمدرضا، ادب خواه، مصطفی(۱۳۸۳) نقش بافت فیزیکی و کالبدی محل های سنتی واحدهای همسایگی جدید در روابط متقابل اجتماعی، همایش توسعه محل ها و توسعه پایدار شهر
۲. تقوایی ، علی اکبر و تاجدار ، رسول (۱۳۸۸) درآمدی بر حکمروایی خوب شهری در رویکردی تحلیلی ، شماره چهل و هشتم ، مجله مدیریت شهری
۳. سیفیان، محمدکاظم(۱۳۷۸) قالب و محتوا در معماری اسلامی، شماره اول، مجله هنرهای زیبا
۴. صادق زاده ، وحید (۱۳۹۴) تبیین جایگاه ابواب فقه در بخش های مختلف مدیریت شهری با تاکید بر حوزه مسکن ، همایش ملی معماری و شهرسازی ایرانی -اسلامی
۵. علی آبادی، محمدعلی، هاشمی طغرالجردی، مجید(۱۳۸۹) ضرورت رویکرد نو در تدوین قوانین و مقررات معماری اسلامی، شماره اول، نشریه علمی پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران
۶. فدایی ، فرامرز (۱۳۹۲) طراحی مجتمع مسکونی با رویکرد اسلامی ، پایان نامه کارشناسی ارشد ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد

۷. محمدیان منصور ، صاحب (۱۳۸۶) سلسله مراتب محرمیت در مساجد ایرانی ، شماره بیست و نهم ، نشریه هنرهای زیبا

۸. نقره کار، عبدالحمید(۱۳۹۵) نسبت اسلام با فرآیندهای انسانی فرانظریه سلام، سال چهارم، فصلنامه پژوهش های اسلامی

-منابع لاتین

- 1 .Dickie-james(1985)the Mughul garden –Getway to paradise –maqarnas
- 2 .Saod-rabha(2002) introduction the Islamic city-FSTC-publication 0manchester

Abstract

Changes in the field of architecture and urban planning are in most cases different and sometimes contradictory to Islamic values. Islam is a complete religion and it warns Muslims against accepting non-Islamic behaviors and norms because it wants Muslims to adhere to their values and principles. On the other hand, Islam has forbidden the acceptance of any kind of ideological concept or non-Islamic behavior that directly or indirectly affects Islamic beliefs. In this regard, Muslims should pay attention to this issue in the principles and methods of their construction, because the important issue is the transfer of Islamic culture to physical, economic, social and political structures in order to direct all the activities of the society. , should be a divine and religious orientation. In fact, considering that no culture has been able to be created and spread independently of a religion, what is called Islamic architecture today is the result of the conflict and interaction of ethnicities, the nation There are various cultures and each of them had something to say according to their place and time, and of course, Islam is at the top of these cultures. Accordingly, this article is titled the effects of Islamic wisdom in the jurisprudence of urban planning and architecture. Fiqh al-Amara) was written. This research is applied in terms of type and purpose and descriptive in terms of nature and method.

Keywords: wisdom, Islamic wisdom, rules of jurisprudence, urban planning, jurisprudence of architecture